

آزادی، برابری
لغو آپارتاید جنسی
فروغ نیرزه‌های انتظامی از دانشگاه‌ها
لغو فوری امکان کمیته های انضباطی
آزادی فوری زندانیان سیاسی
آزادی بیقید و شرط بیان
آزادی بیقید و شرط تشکل

آزادی
برابری

www.jawanx.com
سازمان جوانان حکمتیست

۱۶ آذر روز دانشجو را باید به روزی که صف بسویار بزرگ از آزادیخواهان بر علیه استبداد رژیم اسلامی و اشتغال برای معطلانه شمار آزادی و برابری را سر می‌چند تبدیل کنیم.

جمعه ما منتشر میشود

۱۲۲

حزب کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ آذر ۱۳۸۵ - ۱ دسامبر ۲۰۰۶

سر دبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

پرچم جنگ و کشتار قومی در ایران برافراشته شده است!

محمود قزوینی

صفحه ۲

گارد آزادی در مقابل خواست استقلال آذربایجان و خوزستان چه خواهد کرد؟

محمد فتاحی

صفحه ۳

سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی تنها انتخاب واقعی مردم ایران

صفحه ۴

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:
۰۰۶۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸
parto.tv@gmail.com

۱۶ آذر فرجه ای برای اتحاد صف آزادیخواهی!

خاله حاج محمدی



khaledhaji@yahoo.com

کردن صدای اعتراض مردم و در راس آن در هم شکستن جنبشی است که یک توقع انسانی را در مقابل جامعه قرار داده است و خواهان آزادی، برابری و رفاه میباشد. جمهوری اسلامی نیک میداند که دیگر تحمیل کلر سبز نیست، کسی برای آخوند و تبلیغات اسلامی و خدا و پیغمبرشان تره خرد نمیکند. به همین دلیل اسلحه از رو بسته اند، کلرگر میلز را زندانی میکنند، او بش و مزدوران را به جان زندانی سیاسی می اندازند، دانشجویان را سزوار با چاقوی تعصب اسلامی و شرعی میکشند، تلاش میکنند محیط های آموزشی را از مخالفان پاک کنند و آدم ربای و تهدید هر روزه و کشتار و سنگسار را به عنوان ابزار عقب راندن مردم بدست گرفته اند.

روزی است که در همه مراکز تحصیلی تلاش میشود که هر چه باشکوهتر این نمایش قدرت برگزار شود و در مقابل جامعه قرار داده شود. تلاش میشود پرچم دفاع از آزادی و برابری، دفاع از حرمت و کرامت انسان به عنوان خواست و امیال این نسل به اهتزاز در آید. تلاش میشود حول این پرچم نسل جوان متحد شود و نیروی خود را در این روز و در ادامه مبارزه علیه جمهوری اسلامی به میدان آورد. پیشروان این نسل از این فرصت برای اتحاد خود و برای ایجاد صفی متحد از مبارزینی که زبان حال این نسل و مردم آزادیخواه هستند استفاده کنند. اگر در این روز گسیل گله حزب الله حتی میدان شکل گرفتن یک جمع را به دانشجویان ندهد، شکل دادن به این صف در ابعاد سراسری، یک دستاورد مهم و یک نیاز حیاتی برای ادامه مبارزه و تلاش این نسل و مردم است.

مردم در مقابل این توحش عقب ننشسته اند. در پیشاپیش مردم معترض نسل جوان با توقعات امروزی از زندگی قرار گرفته است که رسیدن به ابتدایی ترین امیالهای خود را در گرو رفتن جمهوری اسلامی قرار داده است. ۱۶ آذر خارج از اینکه این جنبش چقدر بتواند نیروی خود را متحد به میدان آورد، امکانی است که پیشروان این نسل در ابعاد سراسری به هم وصل شوند و با هم متحد شوند. مهم این است در این منت بتوان به این صف شکل داد و پرچم دفاع از آزادی، رفاه و آسایش را چنان بلند کرد که همه ببینند و بتوانند انتخاب کنند و به آن بپیوندند. هر کس و هر جریانی بقیه در صفحه ۳

نسل جوان در ایران همراه با توقعات آنها از زندگی و تنقذی که این توقعات با واقعیت تحمیل شده بر آنان یک مشکل لاینحل همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. جوانان در این جامعه توقع حداقل زندگی را در سطح استانداردهای به رسمیت شناخته امروز را دارند که در جمهوری اسلامی جرم است. لذا تلاش برای زندگی انسانی و مرفه و آزاد همراه با تنفر عمیق از جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی ضد این توقعات و ضد شادی و آزادی و رفاه مردم در میان این نسل موج میزند. این مسئله یک معضل بزرگ و همیشگی جمهوری اسلامی بوده است.

دانشگاه از طرفی مرکز بخش وسیعی از این نسل است، از طرف دیگر مردم به این مکان به عنوان مرکز دانش و علم و همزمان مرکز نسلی که قرار است سرنوشت آتی این مملکت را در دست بگیرند، با احترام نگاه خواهند کرد. چشمها به دانشگاه دوخته شده و هم حساسیت و هم سمپاتی به این مراکز زیاد است.

۱۶ آذر فرجه و امکانی است که این نسل تلاش خود در مقابل با تاجر اسلامی و در دفاع از امیالهای انسانی خود را یک کاسه کند و قدرت و درجه تنفر خود را به قوانین حاکم در مقابل چشم همگان قرار دهد. این

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ghazvini.m@gamil.com

پرچم جنگ و کشتار قومی در ایران برافراشته شده است!

قابل توجه احزاب سیاسی

محمود قزوینی

صلح و آرامش همسایه باشیم باید از این ادعاهای خولیایی دست بردارید. در غیر این صورت به آذربایجان اعلان جنگ می کنید که آنهم به نفع شما نخواهد بود. ۴- از اراضی آذربایجان حتی یک سانتیمتر هم که باشد به احدی واگذار نخواهد شد. ۵- حزب استقلال آذربایجان جنوبی بعنوان حق طبیعی، ملی و بین المللی خود تا آخرین قطره خون از تمامی خاک آذربایجان دفاع خواهد کرد!

اگر این حرفها زمینه نداشت و ادعاهای روی کاغذ چند عضو یک سکت بود که مشغول دعا و نیایش خود هستند، ما هم با آن کاری نداشتیم و از کنارش میگذشتیم اما همه چیز نشان از این دارد که این ادعاها و حرفها میتواند تحقق پیدا کند و زمینه های آن وجود دارد. همین حزب استقلال آذربایجان جنوبی میتواند در شرایط کنونی امروز و در شرایط ایران برای ادعایش نیرو بسپار کند و جنگ قومی و کشتار راه بیندازد. میتواند کشتار مردم "مهمان و مهاجر" ساکن آذربایجان از ارومیه تا مهاباد را آغاز کند. بعید نیست همین فردا جوخه های ترور این گروهها ترور مردم "مهاجر و مهمان" را شروع کنند.

در ایران امروز در میان هر دسته از مردم که کمی با لهجه متفاوت از همسایه بغل دستی اش حرف میزند، یک حزبی مانند حزب استقلال آذربایجان جنوبی ساخته شده است. سازمان زحمتکشان کردستان ایران، پارت آزادی کردستان (اتحاد انقلابیون کردستان)، حزب استقلال کردستان (پارتی سرخوی کردستان)، حزب استقلال کردستان (پارتی سرپستی کردستان)، کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن در ایران، سازمان جنبش ترکمستان در ایران، جبهه عربی آزادی بخش احواز، جبهه دمکراتیک ملت عرب احواز، جبهه بلوچستان و....

همه این گروهها که تازه با هم اعلام اتحاد هم کرده اند و ادعا دارند بر علیه ستم به خلق تحت

ستمشان مبارزه میکنند، ادعاهای ارضی نمونه حزب استقلال آذربایجان دارند، سازمان زحمتکشان ادعای ارضی تا کرمانشاه و ایلام را در سیستم فدرالیست دارد، جبهه عربی احواز میگوید صاحب نفت کشور آنها هستند و آنها باید در سیستم فدرالی مورد نظرشان در باره آن تصمیم بگیرند و شهرهای جنوبی ایران همه عربی هستند و بقیه به هم به ترتیب همینطور ادعاهای ارضی و جمعیتی قومی دارند. یکی میگوید سیاست دولتهای مرکزی این است که "کردها" در منطقه آنری زیاد شوند و جمعیت آنری کم شود و شهر آنری را کردی کنند، دیگری برعکس میگوید (ادعای خلاف آن دارد). یکی مدعی میشود که رژیم نقشه دارد "آزریها" را در منطقه خوزستان اسکان دهد تا جمعیت "عربها" کاهش پیدا کند و برای آن مردم را بسیج میکند و آنها را قربانی میکند و....

خود این گروههای کوچک چیزی نیستند، اما این گروهها امروز بر متن رقابتهای منطقه ای و جهانی که آفریدن و پوش کردن قومگرایی و نزاع قومی و مذهبی یک اهرم کشورهای مختلف بر علیه یکدیگر است، دارند نقش بازی کنند و میتوانند نقش بازی کنند. موسسه اینترپرایز است، ترکیه است، آذربایجان است، کشورهای حاشیه خلیج هستند و مهمتر از همه دولت آمریکا است که در دعواش با جمهوری اسلامی به اهرم قومی متوسل شده و میشود. بر متن این رقابتهاست که با ادعای "کاهش جمعیت عرب، میتوان مردم را بسیج کرد، در متن این رقابتهای منطقه ای و جهانی است که به بهانه کشیدن یک کاریکاتور میتوان جمعیت زیادی را تحریک کرد و به میدان آورد و با هر سال هزاران نفر را در قلعه بابک جمع کرد و تحریک قومی کرد، بر متن این رقابتهاست که موسسه اینترپرایز همه این جریانهای قومی نمونه بالا را جمع میکند و زیر عنوان مسئله قومی در ایران، به دستنهای کوچک قومگرا توان و

انرژی میدهد و در پارلمانها و دولتتهای اروپایی برایشان جا باز میکنند. در متن این رقابتهاست که تلویزیون الجزیره در جریان تحرک قومی در خوزستان در سال گذشته نقش بازی میکند. در متن این رقابتهاست که سازمان زحمتکشان و پژاک در کردستان ساخته و فعال میشوند. گروههای قومی کوچک چیزی نیستند، اما همانطور که ارتش از اینبخش کوسورا ساختند و به جان مردم انداختند، همانطور که گروههای مجاهد افغان را ساختند، همانطور که در عراق شیعه و سنی و کرد و ترکمن ساختند، اینها هم در متن بحرانی که در ایران وجود دارد و بر متن این رقابتهای مجهد میکنند و به جان مردم میاندازند. آنوقت سومالی و عراق و یوگسلاوی زیر جنگهای قومی در مقابل جنگهایی که برای ادعاهای ارضی قومی- ارضی حزب استقلال آذربایجان و سازمان زحمتکشان و سازمان بلوچ و... راه میافتد، هیچ اند.

از سقوط بلوک شرق در اوئل دهه ۹۰ تاکنون مردم جهان شاهد جنگها و کشتارهای قومی بیشماری بوده اند که تصور این وقایع برای مردم ساکن کشورهای که وارد جنگهای قومی شده اند، ۲ سال و حتی چند ماه قبل از واقعه تصور نکردنی بود. ۶ ماه قبل از سربر آوردن پدیده جنگ و کشتار قومی در یوگسلاوی، نه مردم یوگسلاوی و نه مردم جهان تصور چنین وقایعی را نمیکردند. همچنین کشتار نیم میلیون نفر در رواندا فقط در عرض یکماه، جنگ و کشتار ارمنی و آنری بر سر قره باغ، جنگ قومی و مذهبی در سومالی که میروند تا دامن آتیوبی را نیز بگیرد، جنگ چچن، نزاعها و کشتارهای قومی در عراق و... همه اینها برای بشریت و مردم ساکن این کشورها تا ۱۵ سال پیش تصور نکردنی بود.

فعال شدن سکتها و دستجات قومی در ایران بر متن رقابتهای کشمکشهای منطقه ای و جهانی و بر متن بحران سیاسی در ایران و تحرکت قومی در خوزستان و آذربایجان یک واقعیت عیان است. سرکوبگری جمهوری اسلامی در مقابل تحرکت قومی هم به این مسئله دامن میزند. خطر اینکه این دستجات بتوانند جامعه ایران را وارد یک از هم پاشیدگی کامل کنند کم نیست. فاکتور قومگرایی بر نقش و فاکتور جمهوری

اسلامی و جریانات و دستجات اسلامی در از هم پاشیدن جامعه ایران در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی افزوده شده است. سوالی که در مقابل احزاب سیاسی اصلی ایران قرار دارد این است که آیا آماده اند تا در مقابل این روند ایستادگی کنند. حرکت قومی در خوزستان در سال گذشته و حرکت قومی بر سر کاریکاتور روزنامه ایران نشان داد که این احزاب خود میتوانند به چنین روندی یاری رسانند. اما احزاب و جریانات مسؤل در اپوزیسیون چه چپ و چه راست باید خطر از هم پاشیدن جامعه ایران را ببینند و برای آن فکری کنند. جریانات احزابی مانند حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان اکثریت، راه کارگر و... که در پلاتفرمشان فدرالیستی شدن ایران را گنجانده اند، اگر احزاب جریانات مسؤلی در مقابل حداقل شیرازه جامعه مننی باشند، باید این پلاتفرم را کنترل بگذارند. طرح فدرالیسم قومی در ایران بوجود آورنده اختلافات و جنگهای قومی میان مردمی است که سالها در کنار یکدیگر زندگی کرده اند، ازدواج کرده اند و با هم دوست و فامیل بوده اند و در بسیاری موارد کاملاً در هم انتگره شده اند. جریانات اصلی سیاسی در اپوزیسیون رژیم اسلامی باید متوجه خطر وارد شدن جامعه ایران به فاز جنگ داخلی قومی و شیر تو شیر شدن همه چیز باشند و مسؤلان در مقابل آن بایستند. باید سرنگونی جمهوری اسلامی به دستیابی به آزادی و برابری مردم ختم شود و نه سربر آوردن دعواهای قومی و ملی و مذهبی و پاشیدن شیرازه جامعه مننی.

۳۰ نوامبر ۲۰۰۶

نه قومی،

نه مذهبی

زنده باد

هویت

انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



m.fatahi@gmail.com

در یکی از سایتهای سیاسی (سایت دیدگاه) در رابطه سند "فراخوان به مردم و احزاب و شخصیت‌های سیاسی" از مصوبات کنگره اول حزب سواتی طرح شده است که محمد فتاحی در نشریه پاسخ شماره ۵۵ به تفصیل به این سوات پرداخته است. بخشی از این سوال و پاسخ آنرا در این شماره کمونیست ملاحظه می‌کنید. متن کمال سوال و جواب در سایت پاسخ قابل دسترس است:

www.pasox.org

پونس:

- اعلام آزادی بی قید و شرط اجتماعات، تشکیلات و اعتصابات می‌کنید که با پیش فرض تشکیل میلیشای مردمی تان - مدل بسیج جمهوری اسلامی؟ - کمی مشکوک است. مثلا اگر هدف این اعتصابات در خوزستان برای استقلال و در آذربایجان برای پیوستن به جمهوری آذربایجان باشد، این میلیشا بایستی آنان را سرکوب کند یا نه و اگر جواب مثبت است پس تکلیف آزادی اطمینانی شما چه میشود. واقعا بدون اینکه قصد توهمین داشته باشم توصیه می‌کنم اگر می‌خواهید این کنگره و فراخوان آن به شوخی تعبیر نشود حداقل یکی دو بار مطالب

گارد آزادی در مقابل خواست استقلال آذربایجان و خوزستان چه خواهد کرد؟

محمد فتاحی:

مربوط به آن را مرور کنید.

محمد فتاحی:

تا این لحظه هیچ اعتصابی در هیچ جایی از ایران برای جدایی یا استقلال شکل نگرفته است. در کردستان تا این تاریخ دو بار اعتصاب سرتاسری شکل گرفته است؛ یکبار در سال ۱۳۵۸ در اعتراض به اعدام ۵۹ نفر از زندانیان سیاسی در شهر مهلباد بود، بار دوم سال ۱۳۸۴ نیز در اعتراض به اعدام و سرکوب گسترده، در سرتاسر شهرهای مناطق کردنشین ایران برپا شد. اعتصاب سال ۵۸ به فراخوان کومه‌له و دمکرات صورت

نرفت. اعتصاب دوم هم با فراخوان کومه له و حمایت حکمتیست‌ها اتفاق افتاد. در مورد اخیر ناسیونالیست‌ها و قوم پرستان کرد(که باید متحد شما باشند) با علنا مخالفت و کارشکنی کردند و یا رسماً سکوت کردند. اما در مورد اعتصابات و هر رویدادی که نه فقط در خوزستان و در آذربایجان که در جاهای دیگر هم هنوز اتفاق نیفتاده است، نمیتوان سیاست تعیین کرد. در مورد خوزستان اگر منظور تان از استقلال ایجاد یک امیرنشین دیگر در جوار حکومت بقیه شیوخ عرب برای تصاحب نفت این منطقه باشد، فکر نکنم هیچ دولت و رژیم سیاسی عقلی منبع درآمد یک جامعه هفتاد هشتاد میلیونی را دو دستی تحویل

عراق امروز هم هر دو نوع اینها را، هم نوع اسلامی و هم نوع قومی را هر روزه می بینیم که چگونه به اسم قومیت و دین از مردم قربانی می‌گیرند و کشتار میکنند.

در این رابطه گارد آزادی را با نیروهای جمهوری اسلامی تشبیه کرده‌اید. من فکر می‌کنم اینجا یک اشتباه جدی را متوجه میشوید. نیروهای قوم پرست مشکل اساسی با جمهوری اسلامی و فرهنگ و ارزشها و سنن و سیاست های آن ندارد. آقای چهرگانی و نیروهای هوادارش در دوران خاتمی جزو دوم خردادها و هواداران سرسخت دولت جمهوری اسلامی بودند و برای رشد خود خیلی هم مدیون پشتیبانی بیرخی ایشان اند. بعد از دوم خرداد بخشی از قوم گراهای آنری به جبهه "ملل" هوادار سناریوی عراقیزه کردن ایران توسط آمریکا پیوسته اند، بخشی هم به احمدی نژاد چسبیده اند و شعار میدهند که قرارداد ترکمنچای باید لغو، و جمهوری آذربایجان به عنوان "ایران شمالی" به مام میهن برگردد.

گارد آزادی هیچ وجه مشترکی با قوم پرستان و ارزش و سنن شان ندارد. نه تنها این، بلکه یکی از دلایل ایجاد این نیرو مقابله با طرح عراقیزه کردن جامعه ایران توسط اینها و با حمایت آمریکاست. با این سیاست، اگر گارد آزادی امکان حضور در کنار تظاهرات قوم پرستانه آذربایجان پیدا می‌کند، ضمن تامین آزادی تمام برای آن تظاهرات ها، اولاً چهار چشمی مواظب می‌شد تا تهدیدات قوم پرستان علیه شهروندان فارسی زبان و ارمنی جامه عمل نپوشد. دوماً لیست همه آنها که حمله به مردمان فارسی و ارمنی زبان تشویق می‌کردند را به دقت تهیه می‌کرد، و سپس به همه آنها هشدار میداد که در صورت تکرار آن، به عنوان عوامل تشویق جنایت و آدمکشی مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

→ ۱۶ آذر فرجه ای...

تلاش دارد مهر جنبش خود را به اعتراضات دانشجویان و مردم در ۱۶ آذر بزند. از انجمن اسلامی تا انواع جریان‌های ملی و مذهبی در تلاش هستند که به این حرکت که شروع شده است، رنگ خود را بزنند. راستترین جریانات مجبور شده اند با دفاع از آزادی بیان و عقیده به میدان

است. این نشانه قوی بودن جنبش برابر طلبانه است. خارج از اینکه این جریانات به چه میزان به این شعار معتقدند یا نه نفس این مثبت است. این صدای پای ماست که دیگران را مجبور کرده است با همین شعار ظاهر شوند. این پیامی پر معناست و نشان میدهد که نیروی جوان و جنبش برابری طلبانه در دانشگاه قوی است. که حرف دارد، که مردم و نسل جوان را نمایندگی میکند. این نشان میدهد که این جنبش و رهبران و نمایندگان آن شانس بزرگی را دارند و حرف آخر را می‌زنند. این نشانه آن است که جنبشهای دیگر عملاً باخته اند، تسلیم شده اند، افقهای آنها شکست خورده است و فرجه ای برای کمونیست‌ها و آزادیخواهان ایجاد شده است. باید تلاش کرد در ابعاد سراسری نیرو جوان را حول دفاع از آزادی و برابری متحد کرد و سدی در مقابل توحش اسلامی ایجاد کرد. باید این فرجه را درک کرد و فهمید از آن استفاده کرد. باید به همه نشان داد که این نسل نمایندگی میشود، که پرچم این نسل دفاع از انسانیت، از برابری انسانها و از عدالت و آزادی است. اکنون مستقیم نمایندگان واقعی دانشجویان و مردم در جلو این صف خواست و مطالبه آنها را بیان میکنند و آنها را نمایندگی میکنند. باید نشان داد که دانشگاه محل نفاق قومی و مذهبی نیست. این نسل امیال و آرزوهای مردم را برای یک زندگی انسانی نمایندگی میکند و میدان را بر جنبشهای ارتجاعی تنگ کرده است. دانشگاه محل عریضه کشی اسلامی و قومی نیست. نیروی جوان خواهان امنیت و آسایش است، خواهان یک جامعه سلکولار و آزاد است. ۱۶ آذر امکانی است که این نیرو متحدانه با پرچم خود به میدان بیاید و خواست و آرزوی خود و مردم را برای زندگی شایسته انسان امروز نمایندگی کند و توجه همگان را به خود جلب کند. شکست تعرض جمهوری اسلامی به معیشت کارگر و مردم محروم، به آزادی بیان و عقیده، به زن و کودک و به هر آنچه نشانه تمدن است، تنها در گرو این است که چپ و کمونیست در جامعه لولای اتحاد مردم حول جا و از جمله در دانشگاه شوند.

۳۰ نوامبر ۲۰۰۶

به حکمتیست ها به پیوندید!

گفت و شنود با رهبری حزب حکمتیست

پیرامون مباحثات و مصوبات کنگره اول حزب

کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

هامبورگ: شنبه ۲ دسامبر

سعید یگانه، ثریا خضری، بهرام مدرسی

لندن: شنبه ۱۶ دسامبر

فاتح شیخ، آنر مدرسی، سعید آرمان

بخشی از اطلاعیه حزب حکمتیت در مورد انتخابات اخیر

سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی تنها انتخاب واقعی مردم ایران

با برآه افتادن بساط انتخابات شوراهای اسلامی و مجلس خبرگان، بار دیگر بازار صرف بندیها و جناح بندی های داخلی جمهوری اسلامی برای "تقسیم کرسی ها" بین خودشان، پررونق شد. کارگزاران، بنیاد گرایان، اصول گرایان، اصلاح طلبان، نهضت آزادی، انواع و اقسام گروهها و دار و دسته های اسلامی، بخش ها و جناحهای مختلف حکومتی، دست بکار شدند. خود را به وجد آوردند و به خودشان مژده دادند که اختلاف و دسته بندیهای در صفوف رقبای انتخاباتی شان، کشف شده است. شتابان بساط کاندید مشترک و لیست های ائتلافی دادن برآه انداختند و صحنه های دیگری از پریدن به سر و کله هم، برآه انداختند.

سران رژیم بیش از هر کس خوب میدانند که عمق دریای نفرت مردم ایران از همه دار و دسته هایشان، چقدر است! با همه اختلافاتشان، همه جماعتشان خوب می دانند که مردم هیچ نوع از آرازل و اوباش اسلامی را نمی خواهند و اگر حق انتخابی داشته باشند حتی یک روز و یک ثانیه تحملشان نخواهند کرد. میدانند که اگر مردم تنها یک روز و یک بار واقعا حق انتخابی داشته باشند، همه شان را از مسند قدرت به زیر خواهند کشید و تک به تک سران رژیم را به خاطر همه جنایاتی که طی ۲۶ سال حکومتشان مرتکب شدند به پای میز محاکمه خواهند کشاند.

اوباش اسلامی خودشان هم خوب میدانند که مردم ایران سالها است انتخاباتشان را نه پای صندوقهای مضحکه اسلامی که در دانشگاه و کلرخانه، در مدرسه و کوچه و خیابان، در ۱۶ آذر ها و ۸ مارس ها در جشن آدمک برفی ها و در اعتراضات هر روزه به قوانین زن ستیز، کرده اند. انتخاب مردم ایران مرخص کردن رژیم و خلاصی از شر حکومت نکبت بار اسلامی است. انتخاب مردم ایران داشتن یک زندگی انسانی، مرفه و برابر برای همه است.

مضحکه انتخابات، برای همگی شان دریچه "امیدی" باز کرده است. "امیدی" که شاید در پناه آن بتوانند رویارویی مردم با رژیم و نارضایتی و اعتراضات هر روزه آنها را ساکت و سرکوب کنند. به همین دلیل است که دستگاههای تبلیغاتی رژیم بکار افتاده است تا از هر "لبی که این یا آن آخوند به حاشیه رانده شده" و رچیده" است و "ناخنی" که این یا آن یار سابق و مامور دولتی در انزوا "جویده" است، بساط جناح و گروه بندی سیاسی بسازند و مردم را به پای صندوقها بکشانند. و از مردم بخواهند که با "دخالته" شان و با "انتخاباتشان" این روزنه امید را برای بقا رژیم، باز کنند. شرکت در این مضحکه کمک به بقای رژیم است.

..... امروز تنها و تنها یک راه در مقابل ما مردم ایران برای انتخاب و دخالت در سرنوشت مان وجود دارد و آن به مصاف کشیدن و رویارویی مستقیم با کل رژیم است. انتخابات مردم بعد از جمهوری اسلامی است. جامعه ایران روزانه میدان تلاش مردم برای تحقق این آرزو و نابودی این رژیم است. اگر مردم امکان پیدا کنند، اگر به نیروی خود باور کنند، صندوقهای رای را بر سر صاحبانش خراب خواهند کرد و این روز را به روز اعتراض وسیع خود علیه جمهوری اسلامی تبدیل خواهند کرد.

باید در مقابل سازمان دادن جوسرکوب رژیم اسلامی در تمامی سطوح قاطعانه ایستاد! نتیجه انتخابات شوراها و خبرگان، دعوای و سازش های درون خانوادگی رژیم اسلامی، و اینکه کدام لیست از اوباش اسلامی سر از صندوق های رای شان در می آورد، مسئله ما مردم ایران نیست. مسئله مردم جلوگیری از تعرض رژیم به بهانه این مضحکه و مقابله با جو سرکوب و ارعاب است. انتخاب مردم ایران خلاصی کامل از شر حاکمیت اسلام، به نیروی متحد خودشان و برخورداری از یک زندگی مرفه، برابر و انسانی است. و کل عاجل کمونست ها و آزادیخواهان ایجاد اتحاد و تشکل حول پرچم مطالبات انسانی مردم، حول منشور سرنگونی رژیم است. انتخاب واقعی ما مردم ایران سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت

۷ آذر ۱۳۸۵ - ۲۸ نوامبر ۲۰۰۶

به مناسبت ۱۶ آذر

تظاهرات در مقابل کنسولگری
جمهوری اسلامی در هامبورگ
در اعتراض به اختناق و دستگیری
در دانشگاهها و جامعه، در دفاع
از حقوق دانشجویان

با شعار آزادی و برابری، در دفاع از آزادی
بیان و اجتماعات و برای آزادی زندانیان
سیاسی در این تظاهرات با ما همراه باشید.

زمان: روز شنبه ۲ دسامبر ساعت ۱۱
ظهور در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی
در هامبورگ

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

نسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته کل کشور

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیت

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب:

www.hekmatist.com

www.jawax.com

www.marxhekmatociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.com

www.hekmat.public-archive.net

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!